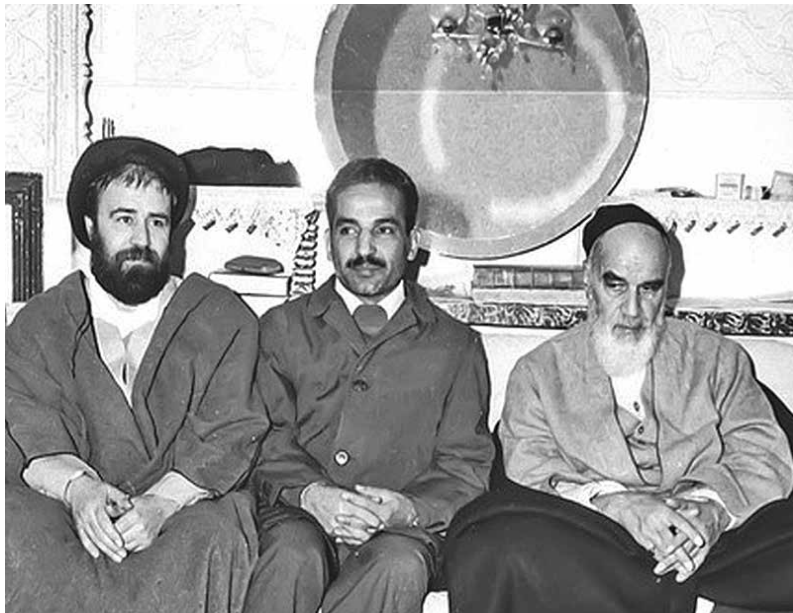


## خاطره هاشمی رفسنجانی از بعد انفجار

در خاطرات آیت‌الله هاشمی رفسنجانی که در آن زمان ریاست مجلس شورای اسلامی را برعهده داشت، در مورد واقعه انفجار نخست‌وزیری چنین نگاشته شده است:

یکشنبه ۸ شهریور ۱۳۶۰، ۲۹ شوال، ۳۰ آگوست: جلسه علنی داشتیم و لایحه بازسازی مطرح بود، ساعت سه بعدازظهر هنگامی که عازم رفتن به جلسه علنی بودم، صدای انفجاری شنیدم. معلوم شد در نخست‌وزیری بوده، دود و آتش بلند شد. از پنجره دفترم نگاه کردم، گفتند اتاق جلسات دولت است. فوراً خبر رسید که جلسه شورای امنیت بوده و آقایان رجایی و باهنر هم حضور داشته‌اند. یک ربع بعد، بهزاد نبوی آمد، که خودش در نخست‌وزیری بوده، سخت ناراحت و شوکه بود، گفت: آقایان باهنر و رجایی شهید شده‌اند و عده‌ای نجات یافته‌اند... خبرهای متناقض می‌رسید، عده‌ای مدعی بودند که بعد از انفجار آقایان رجایی و باهنر را در حال انتقال

به بیمارستان زنده دیده‌اند و عده‌ای می‌گفتند: اشتباه می‌کنند، آنها در آتش سوخته‌اند. رئیس شهربانی سرهنگ وحید دستگردی، معاون ژاندارمری سرهنگ ضیایی و معاون نیروی زمینی تیمسار شرفخواه و سرهنگ کتیبه مجروح و بستری بودند. یوسف کلاهدوز مسئول سپاه پاسداران و خسرو تهرانی سالم در آمده بودند، تهرانی کمی سوخته بود. «جنازه‌ها را که به سالن مجلس آوردند مشاهده کردم، سخت سوخته بودند، آقایان باهنر و رجایی را فقط از دندان‌های طلای جلوی دهان و آسیای‌شان می‌شد تشخیص داد. علامت دیگری نمانده بود، مقداری گوشت هم در کیسه نایلونی کرده بودند به‌عنوان فرد دیگری به نام مسعود کشمیری، منشی جلسه.»



## سیداحمد خمینی: انفجار بیت امام هدف اول بود

سه راه بیت حضرت امام آمدند، گفتند: آقای کشمیری با یک ساک است (همراه رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر و وزرا) که در آن ساک وسایل و چیزهایی که بناسبت یادداشت کنند قرار دارد... گفتیم: نه ما به دلیل ممنوعیت ورود هرگونه کیف و بسته اجازه نمی‌دهیم... کشمیری از ترس اینکه نکنند آن چمدان را در محل حفاظت سه راه بیت بگذارد و خودش بیاید، در آنجا بچه‌های حفاظت بیت به آن ساک مشکوک شوند و مسأله روشن شود، به‌عنوان اعتراض همراه کیفش برگشت. همان کیف در نخست‌وزیری جلوی مرحوم رجایی و باهنر گذاشته شد و آنجا را منفجر کرد و این دو شهید بزرگوار را از دست ما گرفتند.

پس از فاجعه انفجار هفتم تیر و حضور گسترده مردم در حمایت از رهبری و نظام جمهوری اسلامی، سازمان مجاهدین خلق در تداوم اقدامات تروریستی خود ابتدا تلاش کرد امکان بمب‌گذاری در بیت امام را بیابد و بعد از ناکامی در این قصد شوم، رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر را هدف قرار داد. حجت‌الاسلام سیداحمد خمینی در این باره چنین گفته است:

... آن شخص که با منافقین کار می‌کرد، یعنی کشمیری، بنا بود یک چمدان مواد منفجره را بیاورد و در کنار حضرت امام بگذارد، در زمانی که ریاست‌جمهور، رئیس مجلس و نخست‌وزیر و وزرا خدمت حضرت امام می‌آمدند... از محل

## کار تمام است!

وزیر کشور، رئیس شهربانی، در ورودی و خروجی جلسه بود که در کنار در با کمی فاصله فلاسک‌های آب‌جوش و چای و تعدادی استکان بود و ندانستم که جای رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر در کجای میز است. قبل از اینکه به آن محل برسم شهید کلاهدوز و آقای تهرانی را دیدم که جراحات مختصری برداشته و در حال خروج از سالن بودند. آقای تهرانی به من گفت، من مشکلی ندارم برو سراغ رجایی و باهنر. از درون سالن دیگر نمی‌شد وارد شد چون آتش و دود اجازه نمی‌داد. لذا قصد کردم از روی دیوار اتاق بغلی که در اثر انفجار فروریخته بود وارد سالن شوم که باز هم به خاطر دود و آتش امکان پذیر نبود. به

در دو طرف میز، در سمت راست رئیس‌جمهوری، مکان منشی جلسه قرار داشت که «کشمیری» در آن روز روی آن صندلی نشست و کیف بمب را در کنار پای خود نزدیک به «شهید رجایی» کار گذاشت. «کشمیری» نمی‌بایست در آن جلسه شرکت کند و در صورت شرکت احتمالی هم باید در انتهای ضلع طولی چپ میز یعنی تقریباً آخرین فاصله از رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر می‌نشست ولی در جلسه و قبل از انفجار بمب او در مکان کنار رئیس‌جمهور که جای نشستن مسئولان اطلاعات و تحقیقات نخست‌وزیری یعنی «خسرو تهرانی» بود جا گرفت. پشت صندلی‌های نخست‌وزیر،

دفتر نخست‌وزیری محل برگزاری جلسه شورای امنیت نظام بوده که با حضور رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر، مسئولان رده بالای ارتش، سپاه، ژاندارمری و شهربانی و سایر نیروهای امنیتی برگزار می‌شده است و حدود چهارده نفر در این جلسه شرکت داشته‌اند. مرحوم «سیدرضا زواره‌ای» نحوه نشستن افراد در صندلی‌های اطراف میز مستطیلی را در آن دقایق شرح داده و گفته است: در روز انفجار نخست‌وزیری آرایش نیروهای حاضر در نشستن به این شکل بود که رئیس‌جمهور در صدر میز و در سمت چپ او نخست‌وزیر، بعد صندلی وزیر کشور، بعد رئیس شهربانی و بعد نمایندگان نیروهای مسلح